

چگونه موسسات مالی بزرگ در بازار فارکس عمل میکنند؟

مترجمین: ...



مقدمه

موسسات مالی بزرگ مثل بانک ها و صندوق های تامینی بر بازار فارکس مسلط هستند.

گفته میشود که معاملات آنها بالغ بر بیش از ۷۰٪ کل حجم روزانه ای هست که در بازار فارکس ایجاد میگردد. در حقیقت بیش از ۳۰٪ این حجم تنها از دو بانک حاضر در بازار تولید می شود.

وقتی درصد عمده بازار بانک ها هستند، مطالعه آنها و فهم اینکه چگونه عمل میکنند یک اولویت اساسی برای ما می باشد. دانستن شرایطی که لازم است تا آنها یک معامله باز کنند یا برداشت سود نمایند بشدت مهم است زیرا اینها باعث تحرک در بازار میشود. تحرکی که اگر ما چرایی آن را بدانیم میتوانیم از کنارش سود ببریم.

هدف این کتاب بیان مشروح نحوه فعالیت موسسات بزرگ در بازار فارکس می باشد.

ما به بررسی مواردی ذیل می پردازیم؛ اینکه چگونه محل قبلی ورود به معامله بانک را پیدا کنیم؟ چگونه محل احتمالی ورود به معامله آنها را جایابی نماییم؟ چرا آنها وقتی دنبال ایجاد یک اصلاح در روند فعلی هستند معاملات خود را به معاملات کوچک تر خرد میکنند؟ و اینکه چرا وقتی معاملات خود را خرد میکنند اولین معامله آنها بزرگترین معامله در پی چندین معامله کوچک تر هست

بالتر از همه این موارد، من به شما نشان خواهم داد که چگونه زمان برداشت سود بانک ها از معاملاتشان را با نگاه به تغییرات در ساختار قیمت و همراه با تاثیر جلسات تجاری مختلف بر این امر تشخیص دهید. و در نهایت اینکه چگونه بانک ها به یکدیگر برای پول سازی از بازار کمک میکنند.

خیلی خیلی مطالب بیشتر برای اکتشاف در این کتاب وجود دارد که بر عهده خواننده خواهد بود. امیدوارم از خواندن آن لذت ببرید.



سه تصمیمی که یک معامله‌گر میتواند اتخاذ نماید

برای شروع، بهتر هست کمی از وقت مان را به بررسی سه تصمیمی که کلیه معامله‌گران قادرند در بازار اتخاذ کنند بگذرانیم.

کلید سودآوری در معاملات فارکس دانستن این نکته هست که دیگران چگونه معامله میکنند. معامله‌گران خرد فکر میکنند بانک‌ها و موسسات مالی بزرگ دیگر بطور کاملاً متفاوتی از آنها در حال انجام معاملات خود هستند.

این یک اشتباه هست. بانک‌ها در واقع کاملاً مشابه ما معامله میکنند، البته نه از دید استراتژی بلکه از دید تصمیماتی که در بازار مجبور به اتخاذ آنها هستند. تفاوت اصلی در این هست که آنها نیاز دارند شرایط خاصی بر بازار حاکم شود تا بتوانند تصمیمات خود را اجرایی کنند درحالی‌که ما چنین نیازی نداریم. حالا توضیح خواهیم داد.

تمام تصمیماتی که همه معامله‌گران در بازار باید اتخاذ کنند به شرح ذیل هست:

۱. کجا برای ورود یک معامله قرار دهند؟
۲. چه زمانی معامله خود را ببندند؟
۳. کجا اقدام به برداشت سود از یک معامله نمایند؟

اجازه بدین بینیم یک معامله‌گر خرد برای اتخاذ تصمیمات بالا به چه چیزی نیاز دارد؟

معامله‌گران خرد

قراردادن یک سفارش ورود به معامله:

معامله‌گران خرد معمولاً بر اساس تأمین یک سری شرایط در تحلیل‌های تکنیکال یک سفارش معامله قرار میدهند.

این می‌تواند گذشتن دو متوسط حرکتی از روی هم باشد یا یک الگوی شمعی در یک ناحیه حمایتی یا یکی دیگر از روش‌هایی که تحلیل‌های تکنیکال معرفی می‌کنند.

حقیقت این هست که وارد شدن به یک معامله برای معامله‌گران خرد مشکل خاصی ندارد چون حجم معاملات آنها بسیار ناچیز هست.

بستن یک معامله:

معامله‌گران خرد به یکی از دو حالت زیر معاملات خود را می‌بندند...

اولین حالت زمانی است که بازار در حال رسیدن به حدضرر آنهاست که احتمالاً بر اساس ماکزیمم پولی که مایلند از دست بدهند قرار داده میشود بجای آنکه در جایی قرار داده شده باشد که برآن اساس اثبات شود دلایل ورود به آن معامله اشتباه بوده است.

دومین حالت زمانی است که یک معامله‌گر خرد بصورت دستی معامله باز خود را ببندد.

معامله‌گران زمانی معامله خود را بصورت دستی می‌بندند که یا معامله باز شده قرار بوده زمان کوتاهی باز بماند و آنها بالاسر رفتار قیمت بوده اند یا زمان باز نمودن قیمت هرگز به فکر قراردادن حدضرر برای معامله خود نبوده و معامله آنها هم اکنون در یک ضرر هنگفت قرار دارد.

گرفتن سود:

معامله‌گران خرد زمانی اقدام به برداشت سود معامله خود میکنند که احساس کنند به اندازه کافی پول درآورده اند. گاهی اوقات نیز حدسود توسط معامله‌گر در سطح از قبل مشخص شده ای قرار داده می‌شود و معامله بعد از رسیدن به سطح مورد نظر بطور خودکار بسته میشود.

حال اجازه دهید بینیم معامله‌گران موسسات چگونه تصمیمات خود را می‌گیرند...

معاملگران موسسات

قراردادن یک سفارش ورود به معامله:

نحوه ورود به معامله معاملگران موسسات بکلی با نحوه ورود معاملگران خرد متفاوت می باشد.

وقتی یک معاملگر خرد تصمیم به ورود به یک معامله میگیرد نیازی به فکر کردن به اینکه آیا اساسا سفارشات خرید/فروش باندازه کافی برای قرار دادن معامله در بازار وجود دارد یا خیر نیست چون حجم معامله او ناچیز هست و به سادگی با یک سفارش خرید/فروش موجود تهاتر میگردد.

از سویی دیگر معاملگران موسسات معاملاتی با چندین برابر حجم معاملگران خرد در بازار قرار میدهند.

تنها راه برای معاملگران موسسات برای قراردادن معاملات خود موجود بودن حجم معادل سفارش برای تهاتر می باشد. به عنوان مثال اگر یک بانک میخواهد 100,000 یورو بخرد وی احتیاج دارد که سایرین 100,000 یورو بفروشند وگرنه او قادر بخرد نخواهد بود.

مورد دیگری که معاملگران موسسات با معاملگران خرد در زمینه ورود به معاملات تفاوت دارند شرایطی است که آنها به آن احتیاج دارند تا از معاملاتی که در حال قراردادن آن هستند سود کسب کنند.

معاملگران خرد در هنگام قراردادن معامله خود به اینکه چگونه میخواهند از معامله خود سود کسب کنند فکر نمیکنند چون آنها نمیدانند که چگونه پول در بازار بدست آمده یا از دست میرود.

من در این مورد بیشتر در کتابم با عنوان "حاصل جمع صفر" و مقاله موجود در وب سایت با عنوان "بزرگترین راز در معاملات فارکس" صحبت کرده ام. برای اینکه کسی از یک معامله سود بدست بیاورد باید معاملگر دیگری به همان اندازه پول از دست بدهد. هرچقدر مبلغ پولی که کسی آرزوی بدست آوردنش را داشته باشد بزرگ تر شود به معاملگران بیشتری برای از دست دادن پول شان نیاز هست.

معنی آنچه گفته شد این است که بانک ها تنها زمانی وارد یک معامله میشوند که مطمئن باشند عده زیادی از معاملگران خرد قرار است پول از دست بدهند. اگر آنها ببینند که درصد کمی از معاملگران خرد درفرآیند ورود آنها به بازار و قراردادن معامله پول از دست میدهند زحمت ورود به بازار را به خود نمیدهند.

بجای آن، آنها صبر میکنند تا قیمت به اندازه کافی بالا/پایین برود تا حجم گسترده ای از معاملگران خرد وارد معاملات خود شوند. وقتی به مقدار کافی معاملگران در یک جهت وارد شدند آنگاه بانک ها در جهت مخالف وارد شده و باعث چرخش قیمت میشوند.

بستن معاملات و گرفتن سود:

شبيه به آنچه بانک ها هنگام ورود انجام میدهند برای خروج از یک معامله و گرفتن سود نیز وجود حجم کافی از سفارشات برای تهاتر معامله لازم هست.

اگر یک بانک یک معامله بزرگ فروش باز داشته باشد تنها راه گرفتن سود از این معامله وجود معاملگران مکفی جهت ورود به بازار و گرفتن معامله در جهت فروش می باشد.

دلیل این کار این است که وقتی یک معاملگر میخواهد معامله فروش خود را بسته و از آن کسب سود نماید او باید اقدام به خرید در یک قیمت پایین تری نماید. برای اینکه کسی بتواند فروش قبلی خود را در قیمتی پایین تر بخرد باید فروشنده ای در آن سطح موجود باشد. زیرا تنها راه خرید این هست که دیگری آماده فروش باشد. اگر معاملگر فروشنده ای موجود نباشد این معامله صورت نخواهد گرفت.

هرچقدر میزان سودی که یک بانک ها یا معاملگران برای گرفتن از یک معامله مدنظر قرار داده اند بیشتر باشد به تعداد بیشتری از معاملگران حاضر به گرفتن معامله در همان جهت نیاز هست.

اگر مردم کافی فروشنده وجود نداشته باشند آنگاه امکان گرفتن سود به میزان دلخواه معاملگر از معامله خود وجود نخواهد داشت یا حتی بدتر اینکه اصلا قادر به بستن معامله خود نخواهد بود.

- ورود به معامله، بستن معامله و گرفتن سود چیزی نیست که بانک هر موقع که بخواهند بتوانند انجام دهند. باید باندازه کافی سفارش فروش/خرید در بازار موجود باشد. اگر موجود نبود بانک ها قادر به انجام هر یک از سه فعالیت لازم بالا نخواهند بود.
- هنگامی که بانک ها بدنبال ورود به معامله ای هستند یکی از کلیدی ترین چیزهایی که به آن نگاه میکنند این هست که آیا حجم گسترده ای معامله گران خرد در بازار حضور دارند که بانک مطمئن به ضرر آنهاست وقتی قیمت در جهت عکس آنها شروع به حرکت میکند.
- حال مشخص شده است که بانک ها باید به چه چیزهایی فکر کنند درحالیکه یک معامله گر خرد نیازی به تفکر در مورد آن هنگام معاملات خود ندارد.
- قبل از اینکه ادامه دهیم این خیلی مهم هست که شما کاملا درک کنید که موسسات بزرگ احتیاج به چه چیزهایی برای گرفتن تصمیمات معاملاتی خود دارند. اگر متوجه نشده باشید پیگیری فصول بعدی برایتان دشوار خواهد بود.



چه زمانی بانک ها معاملات خود را قرار میدهند؟

همانطوری که در فصل قبل گفته شد برای اینکه بانک ها بتوانند معاملات خود را باز کنند دو شرط باید دیده شود...

اول، احتیاج به تعداد زیادی معاملگر دارند که وارد معاملاتی شوند که مطمئن هست وقتی بانک وارد معامله با آنها شود متضرر خواهند شد و این باعث فشار به بازار برای حرکت در جهت خلاف معاملگران خرد خواهد گردید.

و دوم، احتیاج دارند به تعداد کافی از سفارشات موجود در بازار تا با معاملات آنها تهاتر گردد. (در این زمینه بیشتر بحث خواهد شد)

با درک این دو شرط لازم، ما می توانیم به یکسری نتایج از اینکه بانک ها کجا سفارش خود را قرار خواهند داد برسیم.

ابتدا لازم داریم بفهمیم که چه زمانی تعداد زیادی از معاملگران خرد وارد معامله شده اند.

تنها با کمک این موضوع هست که به ما کمک میکند بفهمیم چه زمانی ورود بانک ها به معاملات محتمل خواهد بود زیرا شرط اصلی که بانک ها به اون احتیاج دارند تا به کمک اون وارد معاملات خودشان بشوند دانش این هست که زمانی که بانک ها وارد معاملات خود شده اند، تعداد زیادی از معاملگران خرد قرار هست متضرر شوند.

لذا اساسا آن چیزی که ما باید پیدا کنیم آن چیزی هست که باعث میشود تعداد زیادی از معاملگران خرد وارد معامله شوند.

این "چیز خاص" مفهومی است که شما همین الان هم از آن آگاهی دارید...

... روند

بیشتر کتاب "حاصل جمع صفر" من بر این مبناست که به خوانندگان یاد بدهد که چرا روند مفهومی است که عمدا ساخته شده تا باعث زیان معاملگران گردد. ایده هایی که در محدوده تئوری روند بنا شده در بازار بسیار کم معنی پیدا میکنند و در بیشتر اوقات باعث می شوند مردم زمانی وارد یک معامله شوند که روند در حال تغییر یا اصلاح می باشد.

کل تئوری روند بر اساس این فرض بنا شده است که هرچه بازار بیشتر در یک جهت حرکت نماید احتمال ادامه مسیر در همان جهت در آینده نیز بیشتر خواهد بود.

بخاطر این حقیقت که تقریبا تمامی معاملگران از ابتدای شغل معاملگری خود یاد گرفته اند که هم جهت با روند معامله کنند، این بدان معناست که اکثر معاملگران بازار به مفهوم روند باور دارند و این ایده که هرچقدر بازار در یک جهت بالا یا پایین در حال حرکت باشد احتمال حرکت در آن جهت بیشتر از چرخیدن و حرکت در جهت معکوس خواهد بود.

واقعا این بدان مفهوم هست که هرچقدر قیمت بیشتر در یک جهت برود تعداد بیشتری معاملگر در آن جهت اقدام به معامله کردن خواهند نمود.

لذا آنچه بانک ها واقعا احتیاج، برای وارد شدن شان به معاملات دارند، بازاری است که برای مدت زمان زیادی در یک جهت در حال حرکت می باشد. به این خاطر که آنها میدانند اگر بازاری به مدت طولانی در حال حرکت در یک جهت بوده باشد بیشتر معاملگران آن بازار در جهت حرکت بازار معاملات خود را قرار خواهند داد به خاطر مفهوم روند و فرضیاتی که بر آن اساس نحوه کار بازار در ذهن معاملگر ایجاد نموده است.



عکس بالا، همان جواری که احتمالاً شما میدانید، تغییر روندی است که چندسال گذشته در USD/JPY اتفاق افتاد.

بانک‌ها پشت سر این چرخش بودند و آنها اولین معاملات خرید خود را در حالتی که USD/JPY هنوز در روند نزولی بود قرار دادند.

در این حالت، قیمت USD/JPY به مدت پنج سال در یک روند نزولی بوده به این معنا که اکثر معامله‌گران بازار بخاطر اعتقادشان به روند در حال فروش بودند. آنها با نگاه به بازار پیش خود می‌گفتند که "بازار در این مدت پنج سال در حال سقوط بوده لذا روند نزولی بسیار قوی ست و خیلی نامحتمل هست که شاهد تغییر و چرخش روند باشیم."

وقتی این همه معامله‌گران خرید در حال فروش در بازار بسر می‌برند، این بدان معنا ست که بانک‌ها میتوانند با وارد شدن به معاملات خرید و چرخش روند حجم عظیمی پول سازی کنند.

اگر قرار است که بازار بچرخد، تمامی معامله‌گرانی که دارای معاملات فروش باز در بازار هستند متضرر خواهند شد زیرا بازار در خلاف جهت آنها حرکت خواهد کرد.

برای اینکه یک معامله فروش بسته شود شما می‌بایست از یک سفارش خرید استفاده کنید. با وجود این همه معامله‌گران خریدی که در حال بستن معاملات در ضرر خود هستند این به معنای ورود حجم عظیمی از سفارشات خرید به بازار و بالا کشیدن قیمت می‌باشد که منجر به سود بسیار خوب رفتن معاملات خرید بانک‌ها می‌شود.

بعد از آنکه روند چرخید، حرکت‌های اصلاح و تثبیتی که در قالب روند صعودی شکل می‌گیرد شرایط را برای معامله‌گران بانک فراهم می‌کند تا معاملات خرید بیشتری را با وجود حجم کمتر وارد بازار نمایند.

چرایی این کار بدین خاطر هست که تنها راه موجود برای بانک‌ها برای ورود به معاملات ورود مکفی از سفارشات خلاف جهت به بازار برای تهاثر با آنهاست.

در این مثال، اگر بانک‌ها بخواهند معاملات خرید بیشتری را در جهت روند صعودی وارد بازار کنند آنها احتیاج به سفارشات فروش معادلی دارند که وارد بازار

شود وگرنه نمی‌توانند

لذا احتیاج دارند که سایر معامله‌گران اقدام به ورود به معاملات فروش کرده تا با معاملات خریدشان تهاتر شود. بانک‌ها با برداشتن مقداری سود از روی معاملات خرید موجود خود این کار را انجام می‌دهند. هنگامی که اقدام به برداشت سود از روی معاملات خرید موجود خود میکنند، سفارشات خریدی که توسط معامله‌گران خرد بخاطر ظاهر روند صعودی وارد بازار میشود مصرف شده و قیمت شروع به ریزش میکند.

هنگامی که قیمت سقوط کرد معامله‌گران خردی که در جهت صعودی بودند اقدام به بستن معاملات خود میکنند زیرا معاملات خرید آنها هم اکنون در ضرر می باشد. در همین حین تعداد زیادی از سایر معامله‌گران خرد اقدام به قرار دادن معاملات فروش با این باور که روند در حال چرخش هست مینمایند.

هر دو گروه معامله‌گران در حال قراردادن سفارشات فروش در بازار هستند با وجودیکه در حال انجام دو عمل کاملا متفاوت می باشند. با کمک این سفارشات فروش بانک معاملات خرید بیشتری را وارد بازار با روند صعودی خواهد نمود.

هنگامی که بانک‌ها معاملات خرید خود قرار دادند، سفارشات فروشی که توسط معامله‌گران خرد وارد بازار میشود مصرف شده و قیمت شروع به حرکت در جهت روند صعودی قبلی مینماید.

یک نکته دیگر که من قبلا متذکر شدم این هست که بانک برای گرفتن سود از معاملات خرید خود در زمانیکه آن را در زمان اصلاح و تثبیت روند صعودی قرار داده بود باید تعدادی معامله‌گر داشته باشد که با شروع صعود قیمت آنها متضرر گردند.

به این خاطر که در زمان اصلاح و تثبیت روند صعودی تعداد زیادی از معامله‌گران اقدام به ورود به معاملات فروش با دیدگاه تغییر روند می کنند، بانک که میدانند وقتی معاملات خرید آنها باز گردید قیمت شروع به حرکت به سمت بالا میکند و همه معامله‌گران خردی که اقدام به فروش کرده اند معاملات خود را در ضرر خواهند بست. این خود باعث فشار صعودی به قیمت شده و منجر به سود معاملات خرید بانک‌ها می شود.

جایابی مکانی که بانک‌ها اقدام به قراردادن معاملات خود میکنند؟

تا الان آموختیم که بانک‌ها تنها زمانی معاملات خود را قرار می دهند که بدانند عده کثیری از معامله‌گران متضرر خواهند شد. چیزی که من الان میخواهم به شما نشان دهم این است که کجا بانک‌ها وارد معاملات خود شده اند.

چیزی که میدانیم این هست که روند باعث ورود عده کثیری از معامله‌گران خرد به بازار میشود. لذا تنها کاری که باید انجام دهیم تا بفهمیم که بانک‌ها چه زمانی وارد معاملات خود میشوند پیدا کردن ارزی است که برای مدت طولانی در یک روند بوده است.

ما دقیقا نمی توانیم بفهمیم که کی بانک‌ها وارد معاملات خود میشوند بخاطر اینکه تشخیص اینکه بازار در یک روند طولانی مدت بوده بستگی به بازه زمانی هست که از آن به بازار نگاه میکنیم و همچنین به اطلاعاتی دارد که ما دسترسی به آن نداریم مثل تعداد سفارشات خرید/فروش که در این بازه زمانی در حال ورود به بازار هست.

با این وجود ما یک راهنمایی داریم که میتوانیم با آن بفهمیم چه زمانی بعد از حرکت یک جهت طولانی مدت بازار ورود بانک‌ها محتمل تر می باشد.



با وجودیکه ما نمیتوانیم دقیقا زمان ورود بانک ها به معاملات را پیش بینی کنیم اما میتوانیم زمان ورود آنها به معاملات را با کمک تغییر قیمت ببینیم.

نگاهی به عکس بالا ببینید. یک چرخش در بازه زمانی روزانه چارت EUR/USD هست.

این یک مثال برای درک محل ورود بانک ها به بازار بر اساس ساختار قیمت می باشد.

برای شروع، EUR/USD یک حرکت ناگهانی به بالا بعد از بیش از یک ماه حرکت نزولی به پایین انجام داده است. حرکت ناگهانی به بالا تنها یک معنا دارد...

.... کسی وارد بازار شده و معاملات خرید انجام داده است.

میدانیم که این نمی تواند کار معاملهگران خرد باشد زیرا آنها در حجمی کار نمی کنند که بتواند تاثیری عمده ای در قیمت بازار داشته باشد لذا این حرکت رو به بالا تنها از عهده معاملهگران بانک با معاملات خرید آنها اتفاق افتاده است.

وقتی که حرکت رو به بالا به اتمام میرسد ما شاهد ورود بازار به دوران تثبیت خود میشویم. بهرحال دوران تثبیت نیز تمام شده و یک حرکت رو به بالا بسیار بزرگ تر با شکست اوج دوران تثبیت اتفاق می افتد.

حرکت رو به بالا به ما میگوید که بانک ها در دوران تثبیت اقدام به انجام معاملات خرید نموده اند. سوال اینجاست که کجا؟

برای پی بردن به این موضوع باید برگردیم به چیزی که من در ابتدای کتاب گفتم. به اینکه چگونه معاملهگران بانک وارد بازار می شوند. بانک ها تنها زمانی می توانند وارد معاملات خود شوند که سفارشات کافی جهت تهاجر وجود داشته و این سفارشات باید در خلاف جهتی باشد که آنها مایل به ورود به بازار می باشند.

در مثال ما دیدیم که قیمت شروع به حرکت رو به بالا نمود چون بانک ها اقدام به قراردادن معاملات خرید خود کردند. تنها راه ممکن برای اینکه آنها بتوانند معاملات خود را قرار دهند این هست که تعداد قابل توجهی از سایر معاملهگران اقدام به معاملات فروش نمایند.

لذا برای اینکه ما بتوانیم مکان دقیق ورود بانک ها به معاملات خرید خود را متوجه شویم تنها کاری که باید انجام دهیم شناسایی مکانی است که معاملهگران خرد اقدام به قرار دادن معاملات فروش خود کرده اند. چون بانک ها این معاملات فروش را نیاز دارند تا آن را با معاملات خرید خود تهاجر کنند.



من مکان هایی را که بانک ها اقدام به خرید نموده اند با X در عکس مشخص کرده ام.

شما سه نوسان نزولی در دوران تثبیت بازار مشاهده می کنید. این سه نوسان نزولی مکان هایی هستند که بانک ها معاملات خرید خود را در آنجا قرار داده اند دقیقاً جاهایی که باعث حرکت صعودی گردیده است.